

اگر نوجوانی یکبار دچا

خود باین سوالات پاسخ دهند.

این ۲۲ سؤال بقرار زیر بود :

۱- آیا تاکنون بدون خرید

بلیط وارد سینما یا میدان‌های

مسابقات و ورزش شده‌اید ؟

۲- آیا هرگز بدون پرداخت

کرایه و یا خرید بلیط سوار ترن

یا اتوبوس شده‌اید ؟

۳- آیا عمدآ و با علم

باینکه ممکن است خطری

تولید کند اقدام با فروختن آتش

کرده‌اید ؟

۴- آیا چراغ‌های برق و

یا سیم‌های تلفن و تلگراف را

در خیابانها و معابر عمومی

خراب کرده‌اید ؟

۵- آیا به کیوسک‌های

تلفن، گلهای باغ‌های عمومی و

وسایل ساختمانها بعدلطمه‌ای

زده‌اید ؟

۶- آیا آنتن‌های رادیو ،

چراغ‌های جلو و عقب و یا

آینه‌های اتومبیلهایی را که در

خیابان پارک شده‌اند شکسته

و یا آنها آسیب رسانده‌اید ؟

۷- آیا از مغازه‌ها و

فروشگاهها اجناسی را بدون

پرداخت قیمت آنها برداشته و

با خود برده‌اید ؟

قابل توجه خانواده‌ها

سال گذشته در آلمان غربی به

تنهایی ۷۰۰۰۰ کودک کمتر

از ۱۴ سال مرتکب خلاف و

دزدیهای کوچک شده و سرکار

آنها با مراجع پلیس و قضائی

اقتاده است و این عده درست

۶۰۰۰ نفر بیش از دو سال قبل

بوده است .

در استکهلم پایتخت سوئد

عده‌ای از دانشمندان و

کارشناسان روان‌شناسی ورقه‌ای

شامل ۲۲ سؤال را بین کلیه

دانش‌آموزان کلاسهای نهم

مدارس (اطفال بین ۱۵ تا ۱۶

سال) پخش کردند و از آنها

خواستند که بدون ملاحظه و

بدون ذکر نام و مشخصات

اسرور این کودک کمی

پول خرد از جیب پدرش برمی‌دارد

فردا دریکی از فروشگاهها یک

خودکار یا یک دفترچه یا یک

صفحه موسیقی بلند میکند ،

پس فردا... آینه چنین کودکی

چه می‌شود ، آیا او یک دزد

حرفه‌ای و جانی خواهد شد ؟

این سئوالی است که اولیاء

کودکانی که دچار انحرافات

شده و عادت بددله دزدی پیدا

کرده‌اند از خود می‌کنند ،

راستی هم که مرز میان این قبیل

دست‌اندازیهای کوچک و دزدی

واقعی کجاست و چطور می‌توان

آنها تشخیص داد ؟

طبق آماري که بدست آمده

انحراف و دله‌دزدی شد از او چشم‌نیوشید

انحراف نو جوانان را چگونه میتوان تشخیص داد و به کمک آنها شتافت



۸- آیا پول و اشیائی را با علم باینکه متعلق بدیگرانست برداشته و در جیب گذاشته‌اید؟
۹- آیا از اشیاء و لوازم مدرسه تا کنسون چیزی را دزدیده‌اید؟

۱۰- آیا بدون اجازه‌لوازم اتومبیل ، موتورسیکلت و دوچرخه دیگران را بقصدفروش برداشته‌اید؟

۱۱- آیا از اتومبیل ، موتورسیکلت ، دوچرخه‌ای که میدانید سرقت شده است استفاده کرده‌اید؟

۱۲- آیا تاکنون با کارت و بلیط جعلی وارد اتوبوس ، سینما یا تئاتر شده‌اید؟

۱۳- آیا چیزی را با علم باینکه دزدیست خریداری کرده و یا فروخته‌اید؟

۱۴- آیا دوچرخه‌ای را از محلی ربوده‌اید؟

۱۵- آیا بدون اجازه با موتورسیکلت دیگران بگردش رفته‌اید؟

۱۶- آیا هنگامی که اتوبیلی را سرقت میکردندشما

هم حضور داشته‌اید ؟

۱۷- آیا تاکنون به یک

انبار، و یا اتومبیلی که در خیابان پارک شده است دستبرد زده‌اید ؟

۱۹- آیا جیب کسی را

بقصد برداشتن پول از زده‌اید ؟

۲۰- آیا کسی را تهدید یا

مجبور کرده‌اید بشما پول ،

سیگار و یا خوراکی بدهد ؟

۲۱- آیا در حال مستی

اتومبیل ، موتورسیکلت و یا

دوچرخه رانده‌اید ؟

۲۲- آیا حشیش و مواد

مخدر را فروخته‌اید ؟

در حدود ۹۶ درصد از

کودکان یکی از این سئوال‌ات

پاسخ مثبت داده بودند در حدود

۲۰ درصد از کودکان به ده

سئوال پاسخ مثبت داده و ۴

درصد هم بیش از ۱۵ پاسخ

مثبت داشتند .

دانشمندان سوئدی از این

تحقیق خود چنین نتیجه گرفتند

که بهر حال هر کودک کی امکان

دارد که در سن کم یکبار

اقدام به دزدی بکند ولی

این امر بهیچوجه دلیل بر این

نمی‌شود که او در آینده دزد و

خانی خواهد شد بلکه آینده او

بستگی به عوامل زیادی دارد .

کودکان را از نظر خلاف‌ها و

دله‌دزدی‌هایی که در سن کم

مرتکب می‌شوند به هفت دسته

تقسیم می‌کنند .

دسته اول - آنهائیکه

بهیچوجه مرتکب خلاف‌و دزدی

نشده‌اند .

دسته دوم - آنهائیکه تا

۱۵ سالگی مرتکب پاره‌ای

دله‌دزدی شده‌اند. ولی کارهای

آنها مخفی مانده و کسی از آن

مطلع نشده است .

دسته سوم - آنهائیکه تا

۱۶ سالگی مرتکب خلاف‌ها

و دزدیهای کوچک شده‌اند

ولی عملیات آنها مخفی مانده

است .

دسته چهارم - آنهائیکه

تا ۱۵ سالگی مرتکب خلاف و

دزدی شده‌اند و کار آنها هم

فاش و برملا شده است .

دسته پنجم - آنهائیکه

تا ۱۶ سالگی مرتکب دزدی

شده و دزدی آنها کشف شده

است .

دسته ششم - کسانی که

تا ۱۵ سالگی بعلت خلاف سرو

کارشان به دادگاه اطفال افتاده

است ولی از کار خود دست

برداشته‌اند .

دسته هفتم - آنهائی که

تا ۱۶ سالگی سروکارشان با

دادگاه اطفال بوده و بکارهای

خود ادامه میدهند و در حقیقت

جنایتکار حرفه‌ای بشمار می‌روند.

نتیجه کلی که دانشمندان

سوئدی از تحقیق خود گرفتند

اینست که از سن ۱۶ سالگی

ببالاتر تمایل نوجوانان بانحرافات

و مخصوصاً دله‌دزدی کم

می‌شود و بیشتر بین سن ۱۳

تا ۱۵ سال است که آنها

بچنین کارهایی اقدام می‌کنند.

اما در میان این هفت

طبقه که در بالا ذکر شد از

همه بهتر بچه‌های دسته دوم و

سوم هستند یعنی آنهائیکه یکی

دوبار مرتکب دزدیهای کوچک

و خلاف کاریهایی شده‌اند ولی

بلافاصله متوجه قبح آن شده

و دیگر دست به چنین کاری

نزدانند . این دسته از نوجوانان

معمولاً عاقل بوده و درست‌فکر

می‌کنند . اهل تصمیم هستند

و فریب نمی‌خورند . امسا

نوجوانان دسته اول که اصلاً

مرتکب هیچ خلاف و انحرافی

نشده‌اند باید گفت که کمی

غیر طبیعی هستند و این خشکی

و غیر طبیعی بودن آنها در زندگی

بعدی موجب عقب‌افتادگیشان

می‌شود . در دسته‌های چهارم

و پنجم معمولاً نوجوانانی از

طبقات پائین‌تر که در کارهای

طبقه‌بندی نوجوانان

دانشمندان بطور کلی

خود عقل درست و حسابی بکار نمی‌برند قرار دارند و آنها نیکه جزه دسته ششم و هفتم هستند واقعاً خطرناک بشمار می‌روند و باید فکری برای آنها کرد و پدران و مادران حق دارند که نسبت باینده و سرنوشت این دسته نگران باشند. نکته مهم دیگر اینست که معمولاً وضع خانواده در روحيات و اعمال نوجوانان فوق‌العاده مؤثر می‌تواند باشد و در حقیقت خانواده است که آنها را به فساد می‌کشاند و یا از منجلا بی‌که گرفتار شده‌اند نجات میدهد.

تلل اجزای خانواده نوجوانان
آمارهای تهیه‌شده ثابت می‌کنند که:

- * قسمت مهمی از کودکان و نوجوانان جنایتکار از خانواده‌هایی هستند که بین آنها جدائی افتاده و پدر و مادرشان با یکدیگر زندگی نمی‌کنند.
- * قسمت دیگری از این نوجوانان منحرف آنها می‌باشند که مادرهایشان در خارج از خانه کار می‌کنند و باسور خانوادگی نمی‌رسند.
- * در خانواده‌های پائین و کمتر از حد متوسط معمولاً عدّه نوجوانان منحرف زیادتر از خانواده‌های بالاتر است.

ولی هیچیک از این عوامل به تنهایی موجب نگرانی و بمنزله اعلام خطر برای آینده نوجوانان و کودکان نیست، مثلاً اگر مادری در خارج از خانه کار کند دلیل بر این نمی‌شود که حتماً فرزندش منحرف و خراب شود بلکه عوامل و علل دیگری هم لازمت تا با کمک این سه عامل موجب سقوط نوجوانان گردد.

بعلاقم خط توجه کنید!
خانواده‌ها باید مراقب پاره‌ای از تغییرات نوجوانان و رفتار خاص آنها باشند و بعضی از عوامل هست که بمنزله هشدار به خانواده‌ها بشمار می‌رود که بیشتر در مراقبت فرزند خود بکوشند این عوامل بدین‌قرارند:

- * غیبت از مدرسه - کودکانی که زیاد غیبت کرده و غالباً سر دسرهای خود حاضر نمی‌شوند در خطرند (۷۵ درصد از نوجوانان دسته ششم و ۸۳ درصد از نوجوانان دسته هفتم آنها می‌باشند که غالباً غیبت کرده و بمدرسه نمی‌روند).

- * خرج بدون اجازه - نوجوانی که شب‌ها یا موقع دیگر بدون اجازه از خانه رود خارج می‌شوند، در سراسر بی

سقوط قرار دارند و باید بکمک آنها شتافت.

- * مصرف الکل و مواد مخدر - نوجوانانی که مشروبات الکلی و یا خدای ناکرده مواد مخدر استعمال می‌کنند در نظر واقعی هستند (۹۰ درصد از نوجوانان دسته م اعتیاد در بدهشته و مواد مخدر استعمال می‌کنند).

چگونه باید به جوانان کمک کرد
۹۵

حالا باید دید که اولیاء چگونه می‌توانند به کمک نوجوانان خود شتافتند و مانع از سقوط آنها در منجلا بفساد شوند.

- * قبل از همه پدران و مادران باید بدانند که اگر یکبار فرزند آنها مرتکب خلاف و دله‌دزدی شد و سروکار او با پلیس افتاد نیایستی دست از او بشویند و باو بگویند که آینده‌اش خراب و تباه خواهد شد زیرا گفتن این حرف، نوجوان آنها را مأیوس کرده و بیشتر غم‌گین در فساد می‌کند، بلکه در مقابل باید باو بگویند و تلقین کنند که این مرتبه گذشته است و او باید سعی کند که بار دیگر مرتکب چنین خلاف نشود و

بفرد در صفحه ۳۷

دنباله از سقوط جوانان ...

آینده خود را تباه نسازد .

* بعضی از پدران و مادران وقتی خلاف و یا دزدی از نوجوانان خود مشاهده می کنند چنان دست و پایشان را گم می کنند که مانند اشخاص فلج می شوند و اصلاً نوجوان را بحال خودش رها می کنند اینکار اشتباه محض است بلکه باید بر اعصاب خود مسلط باشند و با پند و اندرز و صحبت با نوجوان سعی کنند او را براه راست بکشانند .

* مراقبت از نوجوانان را بطور آشکار و علنی نباید انجام داد زیرا آنها وقتی خود را تحت مراقبت دیدند مانند یک زندانی در صدد فرار از این مراقبت بر می آیند بلکه باید آنها را بدون آنکه متوجه شوند تحت مراقبت قرار داد .

* کودکان و نوجوانانی که زود فریب دوستان گمراه و منحرف خود را میخورند حتماً این خاصیت را دارند که بهمان اندازه هم تحت تأثیر پند و نصیحت و اندرز بزرگترها قرار میگیرند منتهی پدر و مادر باید در لباس یک دوست بفرزند منحرف خود اندرز دهند تا نصایح آنها مورد قبول واقع شود .



* نوجوانان و کودکانی که به کیوسک تلفنی حمله کرده و خرابی بیار میآورند یا چراغ خیابانها را می شکندند و یا به مغازه ها دستبرد میزنند بیشتر آنها بی حساسیتند که بدینوسیله میخواهند مورد توجه واقع شوند و کمبود دارند . ولی آن کودکان و نوجوانانی که در خانواده یا مدرسه مورد توجه هستند اصلاً دست به چنین کارهایی نمی زنند . ممکن است در این موارد با معلمان

صحبت کنید که در مدرسه توجه بیشتری باین جوانان بکنند .
* پدران و مادران باید سعی کنند که حتی المقدور نوجوانان را لااقل تا سن ۱۸ سالگی نزد خود نگاهدارند تا آنها کمبود محبت نداشته باشند کودکانی که در خانه خود و نزد پدران و مادرانشان باشند شخصیتی پیدا می کنند که در بیشتر موارد از انحراف آنها جلوگیری میکند .